

Critical study and analysis of Allameh Javadi Amoli's method in determining the meaning of the allusions of the detailed party with emphasis on the book "Peer to the Quran and Ahl al-Bayt"

(Received: 21 August 2021 - Accepted: 15 November 2021)

Ali Pordel¹

Mohammad Reza Mousavi Shoushtari²

Zahra Darwish³

Abstract:

Irony is one of the miraculous aspects of the Holy Quran, the use of which makes the speech beautiful and avoids disliking it. The use of irony in the Holy Qur'an is the most widely used literary industry and has led to the rhetoric of the Holy Qur'an. Given that there are many meanings in irony and the meaning must be obtained with evidence, its understanding needs to be interpreted and determined and the interpreter has a duty to express it to the audience in their own ways, while each interpreter have special way to determining the meaning of allusions. The present article seeks to explain the method of Allameh Javadi Amoli in determining the meaning of the detailed party allusions and to eliminate its objections and to analyze and describe them in a critical way. By referring to the book "Peer to the Qur'an and the Ahl al-Bayt", it is concluded that the author has not specified the word irony and has paid attention to its allusions and meanings in a one-sided way, and it is necessary for the audience to obtain reasonable meanings by referring to other interpretations and comparing them.

Key words: Analysis, critique, method of commentator, determination of meaning, allusions, detailed party

1. Graduate of Quran and Hadith Sciences, University of Holy Quran Sciences and Education, Mashhad, Iran. alipordelarshadquran1372@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, University of Holy Quranic Sciences and Education, Mashhad, Iran. smr.musavishushtari@gmail.com

3. Graduated from the Department of Quranic and Hadith Sciences, University of Holy Quranic Sciences and Education, Tehran. z.darwish7@gmail.com

بررسی تحلیلی روش علامه جوادی آملی در تعیین معنای کنایات حزب مفصل قرآن با تکیه بر کتاب همتایی قرآن و اهل بیت (ع)

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۳۰ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۲۴)

علی پردل^۱

محمد رضا موسوی شوشتری^۲

زهرا درویش^۳

چکیده

کنایه یکی از جنبه‌های اعجاز بیانی قرآن کریم به شمار می‌آید و باهدف تأثیرپذیری کلام و زیبا شدن الفاظ به کار می‌رود. کاربرد آن در قرآن کریم که سخن خداوند متعال است، فراوان دیده می‌شود، اما فهم آن، نیازمند داشتن تخصص و دانش و به‌کارگیری روش‌هایی است تا مقصود از کلام واضح شود که این امر، برای مردم عادی کار آسانی نیست. از آنجایی که کنایه، باهدف تربیت، آموزش، فهماندن پیام‌های دینی به‌کاررفته است؛ فهمیدن معانی آن بر هر مسلمانی لازم و ضروری است. در این راستا، وظیفه مفسر قرآن است که با استفاده از روش و استنادات خویش به‌گونه‌ای واضح، سخن خداوند متعال را نقل نماید، طوری که فهم آن برای مخاطب آسان گردد. مقاله حاضر با روش توصیفی - تحلیلی درصدد است تا روش تفسیری علامه جوادی آملی را در بیان معانی کنایات قرآن در محدوده‌ی حزب مفصل، شناسایی نماید و ضمن معرفی آن، پیشنهادهایی را در جهت بهبود آن روش‌ها وارد سازد. یافته‌های به‌دست آمده از پژوهش نشان می‌دهد، علامه جوادی آملی در بیان معانی کنایات، از روش‌هایی همچون: بیان تفسیری کنایات با کمک سایر آیات قرآن، توجه به سیاق آیات قبل و بعد عبارت کنایه، استفاده از آیات تمثیلی، استفاده از عبارات تخصیصی، استفاده از ادله روایی و ... استفاده کرده است. البته نگارندگان تلاش نموده‌اند، در تعیین معانی کنایه‌ی عبارات، گاه آراء سایر مفسرین نیز جهت تبیین بهتر تفسیر عبارات مطرح کنند.

کلیدواژه‌ها: قرآن، کنایات، حزب مفصل، جوادی آملی، روش.

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، مشهد، ایران.

alipordelارشadquran۱۳۲۳@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، مشهد، ایران.

smr.musavishushtari@gmail.com

۳. دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، تهران، ایران.

z.darvishv@gmail.com

مقدمه

کنایه یکی از جنبه‌های اعجاز قرآن کریم است که؛ باعث زیبایی کلام گوینده می‌شود و از ناپسند به نظر رسیدن سخن جلوگیری می‌نماید. از جمله موارد کاربردی کنایه، قرآن کریم است که؛ خداوند متعال آموزه‌های خود را در قالب غیرمستقیم بیان فرموده‌اند و لازم است مخاطب، بسیار هوشمند باشد و آن‌ها را دریابد؛ البته فهم آن بسیار دشوار است و نیاز است اهالی فن، در خصوص آن قلم‌فرسایی و نظریه‌پردازی نمایند. اغلب مفسران قرآن، این امر مهم را انجام می‌دهند و هریک روش‌هایی خاص، برای رسیدن به آن معانی دنبال می‌کنند. علامه جوادی آملی یکی از مفسرانی است که در کتب خویش در مورد مبحث کنایه، سخن به میان آورده است. با توجه به روش خود، بیان معانی را انجام داده است و با مراجعه به تفسیر ایشان خواننده درمی‌یابد که؛ لازم است روش مفسر را در تعیین معنا به دست آورد و از چگونگی آن آگاه شد. چراکه؛ انتخاب روش‌ها در رسیدن به هدف مذکور بسیار مؤثر است و چه‌بسا روشی که به‌درستی طی نشده است، باعث رسیدن اطلاعات خطا، به مخاطب شود یا این که همان روش باعث گشایش علمی بشود. از آنجاکه به دست آوردن معانی کنایات بسیار ضروری است، این نگاشته سعی دارد، با روش توصیفی-تحلیلی، روش‌های علامه جوادی آملی را در تعیین معنای کنایات به دست آورد. روش جمع‌آوری داده‌ها به‌صورت کتابخانه‌ای بوده است. نوشتار حاضر در پی پاسخ به این سؤال است که روش علامه جوادی آملی در تعیین معنای کنایات حزب مفصل چیست؟

به نظر می‌آید علامه جوادی آملی، در معنا و تفسیر کنایات، روش بیان صریح معانی به همراه استناد به آیات شریفه را بیش‌تر به‌کاربرده‌اند و از روایات کم‌تری استفاده نموده‌اند که می‌توان این مسئله را در روش کلی ایشان در تفسیر که قرآن به قرآن است، استنباط کرد.

پیشینه پژوهش

با توجه به جستار محقق، تاکنون در خصوص بررسی روش تفسیر علامه جوادی آملی در معنای کنایات، اثر تألیفی به‌صورت کتاب یا مقاله به رشته‌ی تحریر درنیامده است. البته به‌طور کلی، آثاری پیرامون بحث کنایات قرآن کریم تألیف گردیده است، از جمله: کتابی با عنوان «اقسام کنایات اعتقادی و اخلاقی از منظر قرآن کریم» به قلم جعفر مقصودی، به سال (۱۳۹۸) که در آن ضمن بیان اقسام کنایه از لحاظ علم بلاغت، به بیان اهمیت و ویژگی و فواید اسلوب پر کاربرد کنایه در قرآن و تقسیم کنایات به اعتقادی و اخلاقی پرداخته است.

مقاله تحقیقاتی با عنوان «کاربرد کنایه در پرتو آیاتی از قرآن کریم» نوشته روح‌الله نصیری به سال (۱۳۹۳) که در آن؛ به بررسی کاربرد مختلف شیوه‌های بیانی، در ۱۶

آیه پرداخته است. از این جهت، مقاله حاضر، اثری جدید در حوزه معارف قرآنی محسوب می‌شود.

۱- بیان مفاهیم

در این بخش، با تعریف مفاهیم نظری تحقیق همچون: حزب مفصل و کنایه، خوانندگان را جهت ورود به بحث آماده می‌کند.

۱-۱- حزب مفصل

حزب در لغت به معنای طایفه است (جوهری، ۱۳۷۶: ۱/ ۱۰۹) و درجایی دیگر در خصوص تعریف حزب آمده است: گروه یا دسته و هر یک از ۱۲۰ جزء قرآن کریم را حزب می‌نامند (معین، ۱۳۷۵: ۱/ ۱۳۵۲). به لحاظ اصطلاحی حزب مفصل یعنی؛ بخشی از احزاب قرآن که از سوره (ق) آغاز می‌شود و به سوره ناس ختم می‌گردد و تأثیر بسزایی در آموزش قرآن کریم دارد (خوش‌منش، ۱۳۸۸: ۳۸).

۱-۲- تعریف کنایه

کنایه در اصطلاح و لغت نحوی، آن است که؛ از چیزی به صورت غیر صریح تعبیر و دلالت می‌نماید. در کنایه همه بیان مورد نظر نیست بلکه، بعضی از آن مدنظر است. اصولیون و فقیهان کنایه را برخلاف بیان آشکار می‌دانند و لفظی است که؛ معنی مدنظر خود را به صورت غیر آشکار به کار می‌برد، یا این که کاری را که مدنظر دارد انجام پذیرد، به صورت غیر آشکار به کار می‌برد (تهانوی، ۱۹۹۶: ۱۲/ ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵).

۲- بیان روش‌های تعیین معنای کنایات حزب مفصل قرآن در تفسیر تسنیم

در این بخش، ضمن بیان نمونه‌هایی از تعبیر کنایی که در آیات قرآن کریم در محدوده‌ی حزب مفصل، بیان شده است، روش‌های علامه جوادی آملی در تعیین معنای کنایات، مطرح می‌گردد.

۱-۲- استفاده از روایت در تعیین معنای کنایی

علامه جوادی آملی، از مضامین روایات در تعیین معنای کنایات، استفاده نموده‌اند که در ادامه به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره خواهد شد.

۱-۱-۲- کنایه از عدل قرآن بودن اهل بیت (ع)

در قرآن کریم، بیان شده است که کوه، توان پذیرش قرآن را ندارد. «لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (حشر/ ۲۱)؛ اگر این قرآن را بر کوهی نازل می‌کردیم، می‌دیدید که در برابر آن خاشع می‌شود و از خوف خدا می‌شکافد! این‌ها مثال‌هایی است که برای مردم می‌زنیم، شاید در آن بیندیشید. از طرفی طبق روایت «لَوْ احْبَنِي جَبَلٌ تَهافت»

(سید رضی، ۱۳۷۹: ح ۱۱۱)؛ که برگرفته از کلام حضرت علی (ع) است، انسان کامل (وجود مبارک ائمه معصومین ع)، به لحاظ حکمی مانند قرآن است. همان گونه که کوه، توان حمل معارف عظیم قرآن را ندارد، توانایی پذیرش و تحمل انسان کامل (چهارده معصوم ع) را نیز ندارد؛ بنابراین لازم است که خود را برای آن آماده نماید. در این جا، معنی عبارتی که در روایت آمده، با آیهی شریفه‌ی مذکور، هماهنگ است (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۲۷۲).

۲-۱-۲- کنایه از تازگی قرآن

بشر همواره در محضر قرآن کریم است، با پیشرفت دانش، سؤال‌های جدیدتری از قرآن پرسیده می‌شود، بنابراین با توجه به آیهی شریفه‌ی: «يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ» (الرحمن/۲۹)؛ تمام کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند از او تقاضا می‌کنند و او هر روز در شأن و کاری است.

این آیه، قرآن را مانند چشمه ساری از دانش دانسته است که از آن، معارف مورد نیاز قابلیت استخراج دارد. مؤید روایی این تعبیر کنایی، روایت ذیل است.

امام رضا (ع) بیان کرده‌اند: «ان رجلا سال ابا عبدالله (ع) ما بال القرآن لايزداد عندالنشر و الدراسة الا غصاضه؟ فقال: لان الله لم ينزله لزمان دون زمان و لا لناس دون ناس، فهو كل زمان جديد و عند كل قوم غض الی يوم القيامة» (عطاردی، ۱۴۱۳: ۳۰۹/۱)؛ مردی از امام صادق (ع) پرسید: چگونه است که هرچه از زمان بررسی قرآن بیشتر می‌گذرد، تازه‌تر می‌شود، حضرت پاسخ فرمودند: زیرا خداوند قرآن را محدود به زمان خاص و مکان خاص و مردم خاصی نازل نفرموده اند، پس قرآن در هر زمان، نو و هر گروه و قومی تازگی دارد. به همین دلیل است که قرآن، گوینده صاحب خود است و با وجود شأن جدید، هیچ‌گاه دچار تراحم نمی‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۱۲۳ و ۱۲۴).

۲-۱-۳- کنایه از بهشت و جهنم دنیایی

در آیات قرآن آمده است، کسانی که از هدایت الهی بی‌بهره‌اند، در همین دنیا جهنم خویش را می‌بینند. «لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ» (تکواثر/۶)؛ قطعاً شما جهنم را خواهید دید.

علامه جوادی آملی با کمک گرفتن از یک روایت، چنین تعبیر کنایی را در خصوص هدایت یافتگان برداشت می‌کند. اگر انسان با هدایت الهی از ظلمات خارج شود (جحیم) و (جنه النعیم) را می‌بیند، چنان که حضرت علی (ع) در وصف هدایت یافتگان و متقیان می‌فرمایند: «فهم والجنه کمن قد راها فهم فیها منعمون» (شریف رضی، ۱۳۷۹: خ ۱۹۷)؛ مومنان واقعی در همین دنیا بهشت را می‌بینند و اهل آن را مشاهده می‌کنند و از نعمت‌های آن استفاده می‌کنند و همان‌طور، بدکاران و اهالی جهنم را مشاهده می‌نمایند.

در خصوص دیدن بهشت و جهنم، می‌توان لفظی جامع‌تر به کار بست و تصریح آن

را بیشتر کرد و آن لفظ تصریحی (روز قیامت) است که به واسطه آن، تمامی اعمال مشخص می‌گردد (دینوری، ۱۴۲۴: ۵۱۶/۲).

۲-۲-۲- توجه به سیاق آیه

یکی از روش‌هایی که آیت‌الله جوادی آملی در تعیین معنای کنایات بدان توجه داشته‌اند، استفاده از سیاق آیات در دستیابی به فهم صحیح عبارات قرآن بوده است. در ادامه نمونه‌هایی از این روش، ارائه خواهد شد.

۲-۲-۱- کنایه از داشتن طهارت باطنی و ظاهری در تماس با قرآن

علامه جوادی آملی، در بیان معنای کنایه از آیه‌ی «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» (واقعه/۷۹) به تفسیر سه آیه پشت سر هم توجه نموده و بر این اساس گفته‌اند: همان طور که لازم است، هنگام قرائت قرآن؛ وضو، غسل و متعلقات طهارت را رعایت نمود، لازم است که طهارت باطنی را نیز رعایت کرد و این مورد به طور کامل، برای معصومین به کار رفته است. آیات شریفه: «إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ* فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ* لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» (واقعه/ ۷۷، ۷۸، ۷۹)؛ آن، قرآن کریمی است، که در کتاب محفوظی جا دارد و جز پاکان نمی‌توانند به آن دست یابند. متذکر این مطلب هستند که علاوه بر طهارت ظاهری، باید برای کسب معارف قرآن، دارای طهارت باطنی نیز بود. این طهارت باطنی در وجود ائمه معصومین (ع) جلوه کرده و به همین خاطر، ایشان به مراتب بالای معارف و آموزه‌های قرآن دست یافته‌اند. این مطلب از تفسیر هر سه آیه به دست می‌آید که به دنبال هم در یک سوره بیان شده است (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۲۶۳).

۲-۲-۲- قرآن؛ برترین نعمت الهی

خداوند متعال در سوره الرحمن، فهرستی از آیات خود را بیان می‌فرماید و از طریق اعتراف از منکران، راه آن‌ها را برای انکار نعمات الهی مسدود می‌نماید. «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَان» (الرحمن/۱۳)؛ پس کدامین نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب می‌کنید. نکته شایان توجه این است که در ابتدا به معرفی برترین نعمت خویش یعنی؛ قرآن حکیم می‌پردازند و این مطلب از آیات: «الرَّحْمَنُ* عَلَّمَ الْقُرْآنَ* خَلَقَ الْإِنْسَانَ* عَلَّمَهُ الْبَيَانَ» (رحمن/ ۱-۴) به دست می‌آید. به این علت آن را برترین نعمت می‌خواند که راه تکامل انسان به واسطه قرآن است (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۲۴). در ارتباط با مطلب بین شده از سوی تفسیر تسنیم، لازم است مطالب دیگری نیز جهت تبیین کامل معنا ذکر شود؛ بنابراین در این بخش از سایر تفاسیر و کتب روایی نیز استمداد گرفته شد.

آنچه که لازم است در این آیات بیان گردد، علت نزول قرآن است که برای آگاهی رساندن به کافران نازل شده و اگر خداوند می‌فرماید: انسان را خلق کرده‌اند؛ مقصود حضرت آدم (ع) است که باید به وضوح مشخص شود. اگر خداوند بیان فرمودند: به او

همه چیز را آموخته‌اند، لازم است اشاره گردد که؛ در قرآن همه نیازهای انسان آمده است؛ بنابراین جامعیت قرآن است که موجب می‌شود، قرآن؛ برترین نعمت میان نعمات الهی محسوب شود (مقاتل، ۱۴۲۳: ۴ / ۱۹۵). خداوند متعال در زمانی که؛ الرحمن را نازل فرمودند: سوال شد که مقصود چه کسی است؟ در پاسخ به اشخاصی که؛ گویا کافران مکه بودند، پاسخ داده شد: همان کسی که منکرش شده‌اید (سمرقندی، ۱۴۱۶: ۳ / ۳۷۸)؛ بنابراین مقصود از لفظ رحمن، خداوند متعال می‌باشد و شکی در آن نیست، اما در معنای (خلق الانسان) اختلاف نظر وجود دارد که با توجه به این که انسان را در تفاسیر مختلف، به معنای حضرت آدم دانسته‌اند، می‌توان آن را مراد اصلی دانست (دینی، ۱۴۲۴: ۲ / ۳۶۳).

اگرچه که این نوع تعیین معنا نیز بسیار ضعیف است؛ اما می‌توان روایت‌هایی را درباره این که مراد از انسان، حضرت آدم است آورد.

روایت اول: «و روی الصدوق یاسناده إلی أبی عبد الله ع قال إنما سُمی آدم ع لأنه خلق من أديم الأرض قال الصدوق اسم الأرض الرابعة أديم و خلق منها آدم فلذلك قيل من أديم الأرض و قال ع سمیت حواء لأنها من حی یعنی آدم ع و قد اختلف فی اشتقاق اسم آدم ع فقيل اسم أعجمی لا اشتقاق له كآزر و قيل إنه مشتق من الأدمة بمعنى السمرة لأنه كان أسمر اللون و قيل من الأدم بمعنى الألفة و الاتفاق و أما اشتقاق حواء من حی أو الحيوان فهو من الاشتقاقات الشاذة أو الجعلية كلابن و تامر» (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ۲/۱)؛ روایت شده از امام صادق (ع) نقل شده است: اما او را آدم علیه السلام می‌نامیدند، زیرا او از خاک (نام زمین چهارم را خاک می‌گفت) و خلقت آن، بنابراین آدم از آنجا گفته شد خاک و حوا نامیده میشود؛ زیرا از محله به معنی آدم است در ریشه شناسی نام آدم علیه السلام تفاوت وجود داشت، بنابراین گفته شد که یک نام خارجی مانند آذر مشتق ندارد و این گفته شد که از آل آدم گرفته شده است، به این معنی که قهوه ای رنگ است و از آدم گرفته شده است، به معنی آشنایی و توافق. از مشتقات غیرطبیعی یا جعلی، مانند ابن و تمر

روایت دوم: «روى الصدوق رحمه الله أيضاً عن ابن سلام: أنه قيل للنبي -صلي الله عليه وآله- هل خلق آدم من الطين كلها ومن طين واحد قال: بل من الطين كله ولو خلق من طين واحد لماعرف الناس بعضهم بعضاً وكانوا على صورة واحدة قال: فلهم في الدنيا مثل ذلك قال التراب فيها بيض وفيها خضرو فيه أشقر يعني شديد الحمرة وفيه أزرق وفيه عذب وفيهم لحفل ذلك صار الناس فيهم أبيض وفيهم أصفر وفيهم أسود وعلى ألوان التراب.» (همان، ۳)؛ صدوق نقل کرد: به پیامبر (ص) گفته شد که؛ آیا آدم از همه خاک‌ها آفریده شد یا فقط از یک خاک. فرمودند:

از همه خاک‌ها و اگر فقط از یک خاک خلق می‌شد، بعضی از مردم، بعضی دیگر را نمی‌شناختند و همه به یک شکل بودند. سپس فرمود: پس در دنیا، مثال آنان همانند

خاک است. فرمود: خاک‌ها برخی سفید و برخی سبز و سرخ و آبی کبود مایل به سیاه بود و مردم نیز در بین آنان سفید و زرد و سیاه پوست همچون رنگ‌های خاک هستند.

۲-۳- بیان قطعی معنای کنایه ضمن بیان آیه همانند

هنگامی که؛ خداوند متعال از افراد پاکیزه سخن می‌گوید؛ مقصود فقط معصومان هستند که مزین به طهارت کبری می‌باشند. در واقع آیه شریفه: «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» (واقعہ ۷۹/۱) باید با آیه‌ی ۳۳ احزاب هماهنگ دانست که می‌فرماید: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» (احزاب/۳۳)؛ خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۲۶۷).

همچنین شایسته است به عبارات قبلی از آیه‌ی شریفه، استناد نمود که معنای به دست آمده آن تکمیل می‌شود. آن معنا این گونه است که تنها افراد شایسته اطاعت، معصومان هستند، به دلیل داشتن صفت طهارت کبری و هرفردی که از آن‌ها اطاعت نکند، مانند زمانی است که به دوران جاهلی بازگشته است؛ زیرا در عبارات قبلی فرموده است: «وَ قَرْنَ فِي بَيْوتِكُنَّ وَ لَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَ أَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَ آتِينَ الزَّكَاةَ وَ اطَّعْنَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» (احزاب/۳۳)؛ و در خانه‌های خود بمانید و همچون دوران جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید و نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید و خدا و رسولش را اطاعت کنید خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد (همان).

۲-۴- بیان معنای کنایه با استناد به آیه‌ای دیگر

یکی از روش‌های تعیین معنایی کلمات، استناد به آیات دیگر قرآن در برداشت صحیح از معنا است. البته با توجه به روش مفسر تسنیم که قرآن به قرآن است، این روش، در بسیاری از موارد تفسیری ایشان مشاهده گردیده شد.

۲-۴-۱- کنایه از حرکت تمامی افراد چه مؤمن و چه کافر به سوی الله

در قرآن آمده است؛ تمامی افراد خداوند را ملاقات خواهند کرد و هر کس بتوجه به عمل خودش خدا را خواهد دید. «يَأْتِيهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ» (انشقاق/۶)؛ ای انسان! تو با تلاش و رنج به سوی پروردگارت می‌روی و او را ملاقات خواهی کرد!

این آیه بیان می‌کند که همه‌ی انسان‌ها خدا به سوی خدا در حال حرکت هستند، زیرا مقام ربوبیت الهی متعلق به همه‌ی انسان‌هاست. افراد مومن، ایشان را به (ارحم الراحمین) می‌یابند و افراد غیرمومن (اشدالمعاقبین)؛ بنابراین حتی اگر کسی نخواهد به این دیدار برود، او را خواهند برد؛ بتوجه به آیه شریفه: «مَنْ دُونَ اللَّهِ فَأَهُدُوهُمْ إِلَى

صِرَاطِ الْجَحِيمِ» (صافات/۲۳)؛ (آری آنچه را) جز خدا می‌پرستیدند جمع کنید و به سوی راه دوزخ هدایتشان کنید!

در نتیجه همگی افراد سالک و رونده به سوی لقاء الله هستند (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۲۳۸).

۲-۴-۲- کنایه از مراقبی که اشراف و سیطره دارد

خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَ مَهْمِنًا عَلَيْهِ» (مائده/۴۸)؛ و این کتاب [قرآن] را به حق بر تو نازل کردیم، در حالی که کتب پیشین را تصدیق می‌کند و حافظ و نگاهبان آنهاست.

لفظ «مهمین» در آیه‌ی مذکور به قرآن نسبت داده شده است. مهمین از اسمای حسناي خداوند متعال نیز می‌باشد و در درآیه شریفه آمده است: «هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ» (حشر/۲۳)؛ او خدایی است که معبودی جز او نیست، حاکم و مالک اصلی اوست، از هر عیب منزّه است، به کسی تمنی می‌کند، امنیت‌بخش است، مراقب همه چیز است، قدرتمندی شکست‌ناپذیر که با اراده نافذ خود هر امری را اصلاح می‌کند و شایسته عظمت است؛ خداوند منزّه است از آنچه شریک برای او قرار می‌دهند. خداوند متعال، قرآن کریم را مهمین بر کتب پیامبران پیشین قرار داده است به این دلیل که؛ صفت مهمین، صفت خداوند نیز هست و نه صفت ذات و صفت فعل، به مظهر نیاز دارد و محل انتزاعی از موجودات امکانی می‌طلبد و بارزترین مظهر برای این اسم، همانا قرآن کریم است. مهمین یعنی مراقب و محافظی که؛ سلطه، سیطره و اشراف دارد. همان گونه که خداوند بر همه عالم هیمنه دارند و بیان هیمنه ایشان درآیه شریفه‌ی ذیل آمده است:

«يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَ يَثْبُتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ» (رعد/۳۹)؛ خداوند هر چه را بخواهد محو و هر چه را بخواهد اثبات می‌کند و «ام‌الکتاب» [لوح محفوظ] نزد اوست (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۵۰ و ۵۱).

پیشنهاد می‌شود، برای واضح تر شدن اصطلاح کنایه مهمین، می‌توان به سخن ابن عباس مراجعه نمود که گفته است: «مهمین یعنی امانت دار و بنا به سند دیگر، گواه نیز اطلاق می‌گردد و با استناد به ابوعبیده می‌توان همان معنای مراقب و نگاهبان را برای آن انتخاب کرد. مراقب یعنی؛ مشاهده کننده اعمال بندگان که بهترین معنا به لحاظ وضوح کلام است.» (نحاس، ۱۴۲۱: ۴/۲۶۸)

۲-۵- استفاده از عبارات تخصیصی

خداوند در آیاتی از قرآن کمالات و عزت را فقط به خودش اختصاص داده است. همچون آیه‌ی: «...الْعِزَّةُ لِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا» (فاطر/۱۰)؛ تمام عزت برای خداست. همچنین در عبارت شریفه: «... فَاللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ» (شوری/۹)؛ ولی فقط خداست. مقام

ولایت را خداوند به خودش اختصاص می‌دهد. اما در آیه‌ای دیگر، مظاهر کمالات الهی را در افراد دیگری نیز تخصیص داده است. خداوند متعال در عبارت شریفه: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَرَسُولُهُ وَلِلْمُؤْمِنِينَ...» کمالات را برای خودشان و پیامبر و مؤمنان استفاده نموده است که این افراد، نماد کمالات الهی هستند (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۲۱۳)؛ بنابراین این آیه، کنایه از مظاهر کمالات الهی است.

۲-۶- استفاده از آیات تمثیلی

گاهی تعبیر کنایی قرآن، با کمک گرفتن از آیات دیگر به عنوان شاهد مثال و نمونه برای تبیین مفهوم کنایی به کار می‌رود.

۲-۶-۱- کنایه از عدم فایده نسبت داشتن با انبیاء در دفع عذاب

در آیات قرآن، عباراتی وجود دارد که کنایه از، عدم فایده نسبت نسبی یا سببی داشتن با اشخاص مهم در تخفیف عذاب الهی دارد. این معنای کنایی در آیاتی که در تمثیل یکدیگرند، مشاهده می‌گردد.

در جریان ولایت، ولادت تأثیر چندانی ندارد. همان‌گونه که؛ عمومی پیامبر مورد شماتت بسیار شدید است که در آیه‌ی شریفه بیان شده است: «تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ» (مسد/۱)؛ بریده باد هردو دست ابولهب و مرگ براو باد.

همچنین در جای دیگر، فرزند نوح را عملی غیرشایسته معرفی کرده و او را از قوم نوح خارج می‌نماید: «قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ...» (هود/۴۶)؛ گفت: ای نوح! او از اهل تو نیست! او عمل غیر صالحی است.

در ارتباط با برخی همسران انبیاء با وجود نسبتی که با پیامبر داشتند، ولی به خاطر خیانت کاری و کفری که داشتند، نسبت آنان با نبی خدا، تأثیری در دفع عذاب از آنها نداشت. قرآن می‌فرماید: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَاتِ نُوْحٍ وَ امْرَأَاتِ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّاخِلِينَ» (تحریم/۱۰)؛

خداوند برای کسانی که کافر شده‌اند به همسر نوح و همسر لوط مثل زده است، آن دو تحت سرپرستی دو بنده از بندگان صالح ما بودند، ولی به آن دو خیانت کردند و ارتباط با این دو (پیامبر) سودی به حالشان (در برابر عذاب الهی) نداشت، و به آنها گفته شد: وارد آتش شوید همراه کسانی که وارد می‌شوند.

در این بیان تفسیری، بیان سه کنایه تمثیلی از خداوند متعال مورد بررسی قرار گرفته است (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۱۶۳).

۲-۶-۲- کنایه از اختیاری بودن هدایت الهی

خداوند متعال مجموعه قوانین خود را برای هدایت تشریحی مردم ارسال نموده اند که درسه بخش اعتقاد و عمل و اخلاق

به مردم عنایت شده است. «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَ إِمَّا كَفُورًا» (انسان/۳)؛ ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد (وپذیراگردد) یا ناسپاس.

در حقیقت بدین معناست که (روبیت مطلقه) خویش را برای عموم مردم گسترش داده و به مردم رحمت بی‌کرانی را عطا فرموده است. همانند آبی که؛ برای حیات سرزمین پژمرده هدایت می‌نماید: «وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ فَتَثِيرُ سَحَابًا فُسْقَنَاهُ إِلَىٰ بَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَخْيَيْنَا بِهَا الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَلِكَ النُّشُورُ» (فاطر/۹)؛ خداوند کسی است که بادها را فرستاد تا ابرهایی را به حرکت درآورند؛ سپس ما این ابرها را به سوی زمین مرده‌ای راندیم و به وسیله آن، زمین را پس از مردنش زنده می‌کنیم. رستاخیز نیز همین‌گونه است؛ همانند این که ستارگان را راهنمای هرفردی قرارداد تا صحرانشینان و دریانوردان را به ساحل امن خویش برساند.

در آیه‌ی دیگری اشاره به هدایت تکوینی عالم دارد که خود منجر به هدایت انسان در مسائل دنیوی و اخروی می‌شود. «وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» (انعام/۹۷)؛ او کسی است که ستارگان را برای شما قرار داد، تا در تاریکی‌های خشکی و دریا، به وسیله آنها راه یابید! ما نشانه‌های خود را برای کسانی که می‌دانند، (واهل فکر و اندیشه‌اند) بیان داشتیم. بنابراین برای همه امکان هدایت را میسر فرموده‌اند (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۷۹ و ۸۰). آنچه‌که؛ در بیان تفسیر آیه می‌توان قید نمود تا حق مطلب را ادا نماید، به کار بردن لفظ تدبیر است که خداوند، هدایت‌کننده در هردو راه است. «وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ» (بلد/۱۰)؛ و او را به راه خیر و شر هدایت کردیم.

منظور این است که انسان‌ها، در جایگاه‌های بد از آن دور شده و به سمت خوبی سوق داده می‌شوند (تستری، ۱۴۲۳: ۱۹۴).

۲-۷-۲- بیان معنای کنایه با ارائه دلیل عقلی

علامه جوادی آملی، گاهی برای بیان تعابیر کنایی، از حجت عقل کمک گرفته است. در ادامه به نمونه‌هایی اشاره می‌گردد.

۲-۷-۱- محافظت از آیات الهی کنایه از وحیانی بودن آن

خداوند متعال برای اینکه مردم عادی را از عدم اجازه به دخالت در قرآن آگاه نماید، در جواب افرادی که پیامبر را کاهن خواندند، چنین آیاتی را فرستادند: «إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ * وَمَاهُوَ بَقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَا تُؤْمِنُونَ * وَلَا يَقُولُ كَاهِنٌ قَلِيلًا مَا تَدَّكُرُونَ * نَزَّلَ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ * وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضُ الْأَقَاوِيلِ * لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ * ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهَا الْوَتِينَ * فَمَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ» (حاقه/۴۰-۴۷)؛ که این قرآن گفتار رسول بزرگواری است و گفته شاعری نیست، اما کمتر ایمان می‌آورید! و نه گفته کاهنی، هر چند کمتر متذکر می‌شوید! کلامی است که از سوی پروردگار عالمیان نازل

شده است! اگر او سخنی دروغ بر ما می‌بست، ما او را با قدرت می‌گرفتیم، سپس رگ قلبش را قطع می‌کردیم و هیچ کس از شما نمی‌توانست از (مجازات) او مانع شود. این آیات کنایه از **وحيانی بودن کلام خداوند** دارد؛ زیرا عقل نمی‌پذیرد که قرآنی که وحيانی و الهی باشد، در آن تحریف رخ دهد و این کلام الهی، می‌بایست، از سوی مبدأ نزول، از هر گونه تحریف و بطلان در امان بماند. در صورت انسانی بودن کلام الهی، مراقبت به خوبی صورت نگرفته است و در نتیجه؛ تحریف در آن صورت می‌پذیرد (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۱۳۴).

همچنین ایشان علاوه بر استدلال عقلی، از آیات دیگر مرتبط با موضوع در تعیین معنای کنایه آیه که لزوم مراقبت از وحی پیامبران می‌باشد، استفاده کرده است. خداوند متعال برای این که؛ به طور کامل وحی را به مردم برساند، فرشتگانی را به عنوان مراقب فرستاده است که چگونگی رساندن وحی را کنترل نمایند. بیان آن را در آیه شریفه: «عَالَمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهَرُ عَلَيْهِ أَحَدًا * إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا * لِيَعْلَمَ أَنْ قَدْ أَبْلَغُوا رَسُولَاتِ رَبِّهِمْ وَأَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ وَأَحْصَىٰ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا» (جن/۲۶-۲۸)؛ دانای غیب اوست و هیچ کس را بر اسرار غیبش آگاه نمی‌سازد، مگر رسولانی که آنان را برگزیده و مراقبینی از پیش رو و پشت سر برای آنها قرار می‌دهد... تا بداند پیامبرانش رسالت‌های پروردگارش را ابلاغ کرده‌اند و او به آنچه نزد آنهاست احاطه دارد و همه چیز را احصار کرده است! همچنین بیان مشابه آن، در آیه شریفه دیگر چنین آمده است: «إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمُرْصَادِ» (فجر/۱۴)؛ به یقین پروردگار تو در کمین‌گاه (ستمگران) است؛ بنابراین جریان تحریف مستلزم آن است که مراقبت از پیامبر ناقص صورت پذیرد (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۱۳۹).

۲-۷-۲- کنایه از جهان‌شمولی معارف قرآن

باتوجه به این که خداوند متعال (رب العالمین) معرفی شده است: «تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (واحه/۸۰)؛ آن از سوی پروردگار عالمیان نازل شده است. اگر مقصود از عالمین، جهانیان و عوالم باشد، معنای آیه کریمه این است که قرآن از خدای جهانیان نازل شده است و به همین دلیل با عوالم و نظام هستی تکوینی هماهنگ است و اگر مقصود از عالمین مردم جهان باشد، مقصود آیه این است که خداوند متعال، همه نیازها را در تمامی اعصار برآورده نماید، همان گونه که در آیه شریفه می‌فرماید: «تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَىٰ عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا» (فرقان/۱)؛ زوال ناپذیر و پربرکت است کسی که قرآن را بر بنده‌اش نازل کرد تا بیم‌دهنده جهانیان باشد (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۶۰ و ۶۱).

در بیان تفسیر این آیات، می‌شود به تفکیک کلمات را بررسی نمود و بیان نمود که مقصود از لفظ (کریم) یعنی: عطاکننده خیر بسیار و آن را به بخشندگی ایشان برای جهانیان ارتباط داد (طوسی، بی‌تا: ۹/ ۵۱۰).

۲-۸-۸- بیان تفسیری صرف

علامه جوادی آملی در مواردی تنها به بیان تفسیری عبارات پرداخته‌اند که بدان اشاره می‌گردد.

۲-۸-۱- قرآن سخن سنگین

در قرآن کریم، کتاب الهی کلامی سنگین، معرفی شده است. «... قَوْلًا ثَقِيلًا» (مزمل / ۵) که؛ برای هرفردی قابلیت درک را ندارد؛ بنابراین حضرت محمد (ص) را به عنوان نخستین معلم قرآن قرار داده‌اند، تا به واسطه ایشان این سخن سنگین، تبیین شود (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۲۴۶).

۲-۸-۲- کنایه از نور معنوی

در جهان هستی دو نور وجود دارد که؛ یکی نور مادی و دیگری نور معنوی است که؛ بیان آن در عبارت شریفه: «يَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ» (حدید/۲۷)؛ برای شما نوری قرار دهد که با آن (در میان مردم و در مسیر زندگی خود) راه بروید. همچنین عبارت شریفه: «وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ» (انعام/۱۲۲)؛ و نوری برایش قرار دادیم که با آن در میان مردم راه برود.

در عبارات شریفه، نور دنیایی را مورد اشاره قرار داده است و انسان بایستی ادب را رعایت نماید و در جهت رسیدن به نور معنوی گام بردارد که همان خداوند متعال می‌باشد؛ زیرا مسیر و صراطی که منتهی به قرب الهی می‌شود، نور اصلی است و در راه رسیدن به آن، لازم است نور دنیایی را به کار بست (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۸۷ و ۸۶). در این خصوص لازم است، تصریح کلام صورت پذیرد و کسی که؛ بیان تفسیر می‌نماید، وجه اختلاف را روشن کند و موارد اختلافی معنا را تبیین نماید و آن را به صورت واضح تعیین معنا نماید. همان گونه که می‌توان مراد از نور در آیه شریفه را قرآن دانست و آن را به افراد مختلف نسبت داد، همان گونه که نیز میتوان آن را به پیامبر اکرم (ص) و پیروانش نسب داد (طبری، ۱۴۱۲: ۱۴۲ / ۲۷).

۲-۸-۳- کنایه از حمایت در انجام فضائل و کار خیر

خداوند متعال فردی را که در مسیر یادگیری معارف قرار می‌گیرد، از درجه سختی به آسانی هدایت می‌نماید. «فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى * فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى» (لیل / ۵-۷)؛ اما آن کس که (در راه خدا) انفاق کند و پرهیزگاری پیش گیرد، و جزای نیک (الهی) را تصدیق کند، ما او را در مسیر آسانی قرار می‌دهیم!

بنابراین آیات، سختی تلاش برای انجام فضائل و خوبی‌ها، با حمایت خداوند تبدیل به لذت می‌گردد (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۸۴) و با توجه به این که؛ نتیجه تلاش مومنان بهشت است، خداوند او را در مسیر بهشت قرار می‌دهد.

البته شایسته است در ضمن بیان تفسیر آیه بدان اشارتی مختصر گردد که؛ مقصود از

عبارت فسنیسره لیسری یعنی: بازگشت به طاعت و بندگی و آسان کردن مسیر راه بهشت است (طبرانی، ۲۰۰۸: ۶ / ۵۱۱).

۲-۸-۴- کنایه از عظمت قرآن کریم

خداوند متعال در بیانی تمثیلی، عظمت قرآن را چنین به تصویر می‌کشد: «لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ» (حشر/۲۱): اگر این قرآن را بر کوهی نازل می‌گردیم، می‌دیدید که در برابر آن خاشع می‌شود و از خوف خدا می‌شکافد! کوه به خاطر هراس و ترس از عظمت گوینده آن متلاشی می‌شود که بیان کننده‌ی عظمت قرآن و ذات مقدس الهی است (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۲۵).

۲-۸-۵- سفره، کنایه از فرشتگان

خداوند در قرآن می‌فرماید: «بِأَيْدِي سَفَرَةٍ» کِرَامٍ بَرَرَةٍ» (عبس / ۱۵ و ۱۶): به دست سفیرانی است والا مقام و فرمانبردار و نیکوکار.

عالی ترین مقام، در دست فرشتگان است. پس سفره که به معنای نوشته است، کنایه از فرشتگان الهی است (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۲۹).

در تبیین معنای (سفره) لفظ نوشته را به کار برده اند و برای لفظ برره نیز، اصطلاح (کرام الکاتبین) را استعمال نموده‌اند که ذکر آن شایسته است و خارج از لطف نیست (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۱۰ / ۱۳۱).

ضمن آنکه در معنای لفظ (برره) مقصود از آن راه، سایر کسانی که با عبادت خداوند و اطاعت از ایشان، می‌توانند به درجه بالا دست یابند، تفسیر کرده‌اند. پس (برره) به تنهایی معنای فرشتگان را ندارد (ماوردی، بی تا: ۶ / ۲۰۶).

۲-۹- بیان شرط ضمن بیان آیات مشابه و تمثیل قرآنی

فردی که فطرت توحیدی خود را خاموش نکرده باشد، هدایت تکوینی که پاداش اوست، نصیبش می‌شود. همان گونه که در عبارت شریفه: «وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ» (تغابن/۱۱)؛ و هر کس به خدا ایمان آورد، خداوند قلبش را هدایت می‌کند. در نتیجه هدایت تکوینی و عملی پس از ایمان صورت می‌پذیرد و اگر از آن به خوبی محافظت نماید، هدایتش فزونی می‌یابد.

در آیه‌ی دیگری می‌فرماید: «وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَءَاتَتْهُمْ تَقْوَاهُمْ» (محمد/۱۷)؛ کسانی که هدایت یافته‌اند، خداوند بر هدایتشان می‌افزاید و روح تقوا به آنان می‌بخشد! چنانکه درباره اصحاب کهف نیز چنین بیان می‌نماید: «إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ ءَامَنُوا بِرَبِّهِمْ وَ زِدْنَاهُمْ هُدًى» (کهف/۱۳)؛ آنها جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان آوردند و ما بر هدایتشان افزودیم.

در این آیات اشاره دارد که؛ هدایت تکوینی و خاصه نصیب آن‌ها شد و موفق شدند (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۸۳).

شایسته است در بیان تفسیری، عباراتی استفاده شود که در رسیدن به مقصود کمک بیشتری نماید و علاوه بر بیان تمثیل‌ها و نمونه‌های مشابه، کمی ذهن را به طرف گفتار کلی‌تر رساند و هدایت تکوینی و خاصه را به عنوان نعمتی زیاد شده به خاطر شکر نعمت ایمان دانست. «وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» (ابراهیم/۷)؛ و (همچنین به خاطر بیاورید) هنگامی راکه پروردگارتان اعلام داشت: اگر شکرگزاری کنید، (نعمت خود را) بر شما خواهیم افزود؛ و اگر ناسپاسی کنید، مجازاتم شدید است.

همان‌طور که در تبیین آیه کامل آمده است، نقطه مقابل ناسپاسی مجازات است که لازم می‌آید قبل و بعد آیه، به صورت کامل بیاید. ضمن این‌که؛ در جریان تبیین مفاهیم قرآنی همه وجوه آیه مورد بررسی قرار گیرد، تا کلام خداوند متعال اشتباه منعکس نشود. همان‌طور که خداوند متعال انسان را، در زمان بلاها یاری می‌نماید و بدون اراده خداوند کاری انجام نمی‌شود که بیان این در ابتدای آیه شریفه آمده است: «مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (تغابن/۱۱)؛ هیچ مصیبتی رخ نمی‌دهد مگر به اذن خدا! و هر کس به خدا ایمان آورد، خداوند قلبش را هدایت می‌کند و خدا به هر چیز داناست؛ بنابراین بازگشت همه امور به سمت خداست (فراء، ۱۹۸۰: ۳/۱۶۱).

در بیان تفسیری دیگری، به صورت جزئی، مقصود از هدایت، قلب آمده که هر کس قلبش کار نیک انجام دهد، در زیر پرچم خداوند، قلب او را پاک می‌گرداند و خداوند قلبش را به سمت انتظار کشیدن برای ظهور امام زمان (عج) هدایت می‌نماید (تستری، ۱۴۲۳: ۳۶).

نتیجه

کنایه یکی از جنبه‌های اعجاز بیانی قرآن کریم به شمار می‌آید و باهدف تأثیرپذیری کلام و زیبا شدن الفاظ به کار می‌رود. در مقاله حاضر، روش تفسیری علامه جوادی آملی در بیان معانی کنایات قرآن در محدوده‌ی حزب مفصل، مورد بررسی قرار گرفت و نتایج زیر حاصل شد:

علامه جوادی آملی در بیان معانی کنایات، از روش‌هایی همچون: بیان تفسیری کنایات با کمک سایر آیات قرآن، توجه به سیاق آیات قبل و بعد عبارت کنایی، استفاده از آیات تمثیلی، استفاده از عبارات تخصیصی، استفاده از ادله روایی و ... استفاده کرده است. به نظر می‌آید علامه جوادی آملی، در معنا و تفسیر کنایات، روش بیان صریح معانی به همراه استناد به آیات شریفه را بیش‌تر به کار برده‌اند و از روایات کم‌تری استفاده نموده‌اند که می‌توان این مسئله را در روش کلی ایشان در تفسیر که قرآن به قرآن است، استنباط کرد.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵ش): «علل الشرائع»، قم: کتاب فروشی داوری.
۳. تستری، ابن عبدالله (۱۴۲۳ق): «تفسیر تستری»، محقق: محمد سود، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول.
۴. تهمانوی، محمدعلی (۱۹۹۶م): «کشف اصطلاحات الفنون»، محقق: علی دحروج، بیروت: مکتبه ناشرون، چاپ اول.
۵. نعلبی، احمد (۱۴۲۲ق): «الکشف و البیان»، محقق: احمد ابن عاشور، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
۶. جوهری، اسماعیل (۱۳۷۶ق): «الصاحح: تاج اللغة و صحاح العربیة»، محقق/ مصحح: احمد عبد الغفور عطار، بیروت: دارالعلم للملایین، چاپ اول.
۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰ش): «همتایی قرآن و اهل بیت (ع)»، قم: اسراء، چاپ دوم.
۸. خوش منش، ابوالفضل (۱۳۸۸ش): «حمل قرآن»، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۹. دینوری، عبدالله (۱۴۲۸ق): «تفسیر ابن الوهب المسمی الواضح فی تفسیر القرآن الکریم»، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول.
۱۰. رضی، محمد (۱۴۰۶ق): «تلخیص البیان فی مجازات القرآن»، مصحح: حسن عبدالغنی، بیروت: دارالاضواء، چاپ دوم.
۱۱. سمرقندی، نصر (۱۴۱۶ق): «بحرالعلوم»، بیروت: دارالفکر، چاپ اول.
۱۲. شریف رضی، محمد حسین (۱۳۷۹ش): «نهج البلاغه»، ترجمه دشتی، قم: مشهور، چاپ اول.
۱۳. طوسی، حسن (بی تا): «التبیان»، مصحح: احمد عاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
۱۴. طبری، محمد (۱۴۱۲ق): «جامع البیان فی تفسیر القرآن»، بیروت: دارالمعرفه، چاپ اول.
۱۵. طبرانی، سلیمان (۲۰۰۸م): «التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم (الطبرانی)»، اربد: دارالکتاب الثقافی.
۱۶. عطاردی، عزیز الله (۱۴۱۳ق): «مسند امام رضا (ع)»، بیروت: دار الصفوه.
۱۷. فراء، یحیی (۱۹۸۰م): «معانی القرآن»، محقق: محمد نجار و احمد نجاستی، قاهره: الهیئة المصریة العامة للکتاب، چاپ دوم.
۱۸. ماوردی، علی (بی تا): «النکت والعیون تفسیر الماوردی»، بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون، چاپ اول.
۱۹. ماتریدی، ابن محمد (۱۴۲۶ق): «تأویلات أهل السنة (تفسیر الماتریدی)»، محقق: باسلوم و مجدی، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول.
۲۰. مقاتل، ابن سلیمان (۱۴۲۳ق): «تفسیر مقاتل بن سلیمان»، محقق: عبدالله شحاته، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
۲۱. معین، محمد (۱۳۷۵ش): «فرهنگ فارسی»، تهران: سپهر (موسسه انتشارات امیر کبیر)، چاپ نهم.
۲۲. نحاس، احمد (۱۴۲۱ق): «اعراب القرآن»، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول.

References

The Holy Quran

1. Ibn Babawiyah, Mohammad Ibn Ali (1385 SH): "Elal Al-Sarayee", Qom: Davari Book-store.
2. Teštari, Ibn Abdullah (1423 AH): "Tafsir Toštari", researcher: Mohammad Sood, Beirut: Dar al-Kitab al-Almiyeh, first edition.
3. Tahanavi, Mohammad Ali (1996 AD): "Kashaf Eštelaḥat Al-fonon", Researcher: Ali Dehrouj, Beirut: Publisher School, First Edition.
4. Thalabi, Ahmad (1422 AH): "Al-Kashf wa Al-Bayyan", researcher: Ahmad Ibn Ashour, Beirut: Dar Al-Haya Al-Tarath Al-Arabi, first edition.
5. Johari, Ismail (1376 AH): "Al-Seḥah: Taj Al-loqah wa Seḥah Al-arabiyah", researcher / editor: Ahmad Abdul Ghafoor Attar, Beirut: Dar al-Alam for the people, first edition.
6. Javadi Amoli, Abdullah (1390 SH): "The counterpart of the Qur'an and the Ahl al-Bayt (AS)", Qom: Esra, second edition.
7. Khoshmanesh, Abolfazl (1388 SH): "Carrying the Quran", Qom: Seminary and University Research Institute.
8. Dinuri, Abdullah (1428 AH): "Tafsir Ibn Al-Wahb Al-Masmi Al-Wadhih Fi Tafsir Al-Quran Al-Karim", Beirut: Dar Al-Kitab Al-Almiyeh, first edition.
9. Razi, Mohammad (1406 AH): "Takhis Al-bayan fi Majazat Al-Qur'an", edited by Hassan Abdul Ghani, Beirut: Dar al-Azwa, printing Second.
10. Samarkandi, Nasr (1416 AH): "Bahr al-Ulum", Beirut: Dar al-Fikr, first edition.
11. Sharif Razi, Mohammad Hussein (1379 SH): "Nahj al-Balaghah", translated by Dashti, Qom: famous, first edition.
12. Tusi, Hassan (No date): "Al-Tebyan", edited by Ahmad Ameli, Beirut: Dar Al-Haya Al-Tarath Al-Arabi, first edition.
13. Tabari, Mohammad (1412 AH): "Jamee Al-bayan fi Tafsir Al-Qur'an", Beirut: Dar al-Ma'rifah, first edition.
14. Tabarani, Suleiman (2008 AD): "Al-Tafsir Al-Kabir: Tafsir Al-Quran Al-Azim (Al-Tabarani)", Arbob: Dar Al-Kitab Al-Thaqafi.
15. Atardi, Azizullah (1413 AH): "Mosnade Imam Reza (AS)", Beirut: Dar al-Safwa.
16. Faraa, Yahya (1980 AD): "The Meanings of the Qur'an", Researcher: Mohammad Najjar and Ahmad Nejati, Cairo: The Egyptian Egyptian Public Library, second edition.
17. Mawordi, Ali (No date): "Al-Nokat Wal-Oyun Tafsir Al-Mawardi", Beirut: Dar Al-Kitab Al-Alamiya, Publications of Mohammad Ali Bidun, first edition.
18. Matriddi, Ibn Muhammad (1426 AH): "Interpretations of the Ahl al-Sunnah (Tafsir al-Matoridi)", researcher: Basalum and Majdi, Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya, first edition.
19. Muqatil, Ibn Sulayman (1423 AH): "Tafsir Muqatil Ibn Sulayman", researcher: Abdullah Shehata, Beirut: Darahiyah Al-Tarath Al-Arabi, first edition.
20. Moin, Mohammad (1375 SH): "Persian Dictionary", Tehran: Sepehr (Amir Kabir Publishing Institute), ninth edition.
21. Nohas, Ahmad (1421 AH): "Earabs Al- Qur'an", Beirut: Dar al-Kitab al-Almiyeh, first edition.